زندگی قدس

دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۹ | ۲۸ ذی‌القعده ۱۴۴۱ | ۲۰ جولای ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۲۹۸
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

گفت‌وگو با غلامرضا بکتاش درباره رده‌بندی جدید سنی کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

# اجازه بدهیم بچه‌ها خودشان انتخاب کنند...

۱۲

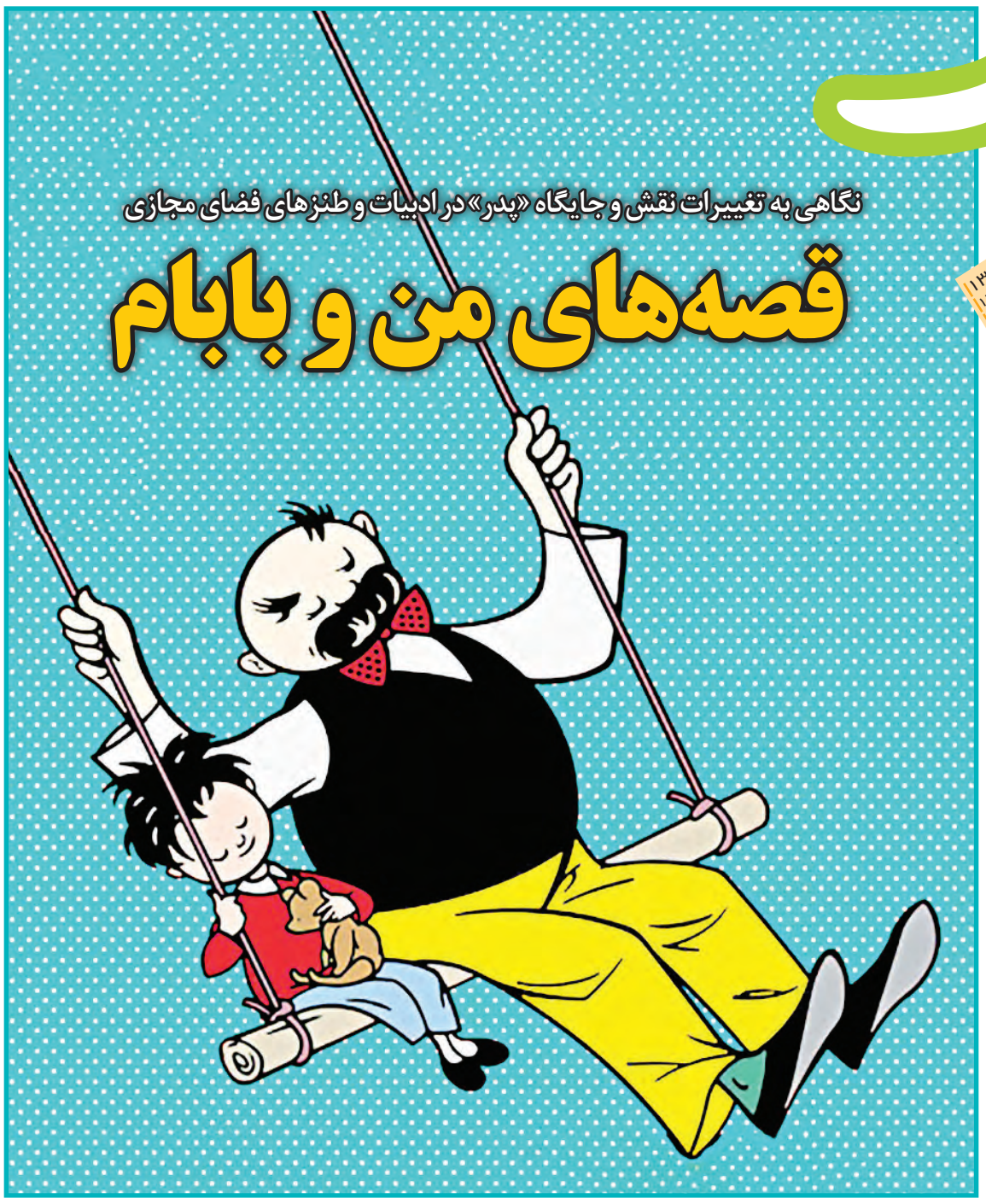

نگاهی به تغییرات نقش و جایگاه «پدر» در ادبیات و طنزهای فضای مجازی

# قصه‌های من و بابام

## روزمره نگاری

### کروکی کرونا

**رقیه توسلی:** کروکی مکان عروسی روی تکه کاغذ جداگانه‌ای رسم شده. مراسمشان گویی در باغ است. چون تالارها دارند به قصه دیوانه کرونا کمک می‌کنند. کارت دعوت را زیر و رو می‌کنم. قلب‌های چوبی شیک و دلبری خورده تویش. از آن باکلاس‌هاست. البته که کامیار و نسترن اصولا آدم‌های بایده‌ای هستند. می‌خوانم و لب و لوچه‌ام آویزان است.

شماره خواهری و برادرخان را به فاصله می‌گیرم، اشغال‌اند.

می‌روم روی تراس. مامان پیشی و بچه پیشی‌ها دارند از روی دیوار رد می‌شوند. یکی از بچه گربه‌ها به‌وضوح از آن یکی، ترسوتر و کم جثه‌تر است. مادر چهارچشمی می‌پایدش و می‌بینم چطور از پشت گردن به دهان می‌گیردش و از یک ارتفاع آهنی بزرگ ردش می‌کند. صحنه قابل تأملی ست. فرزند جیغ نازکی می‌کشد و دوباره در سایه مادرِ عاشقِ بادرایت راه می‌افتد روی دیوار.

خواهری را باز می‌گذارم روی زنگ. برمی‌دارد و غمگین می‌گوید: امان از آدم‌های باری به هر جهت و بی‌خیال! تماس گرفتم به عروس داماد تبریک گفتم و دلخوری‌ام را به گوششان رساندم که توی این شیوع وحشتناک، عروسی را کجای دلم بگذارم. آدم‌ها توی معذورات می‌مانند به‌خدا. گفتم عزیزانم اصلاً کارتان قشنگ نیست.

برادرخان پشت خط است. متصل که می‌شویم، می‌گوید: نمی‌توانند که نروند. رودربایستی دارند با خانواده داماد. حساب دوستی بیست و چند ساله وسط است و کامیار یک عمر صدایش زده عموجان. بعد با خنده ادامه می‌دهد بعید نیست اصلاً ساق دوش داماد هم باشد.

کارت را روی میز می‌چرخانم. اجتماع شلوغ پلوغ عروسی می‌آید پیش چشمم، گزارش‌های تلویزیونی از پرستاران فداکار و بیماران کرونایی که در قرنطینه خانگی و بیمارستانی هر ثانیه درحال جنگ‌اند.

و یاد خانجان می‌افتم که: حریف مردم نمی‌شوید، حریف خودتان باشید جانک‌هایم. شاید به اندازه شما گاهی دیگران متوجه مرزها و حدها نباشند.

**کاش‌نوشت:** کاش اندازه مادر همین بچه گربه‌ها توی دلمان هول و ولا بود. کاش می‌دانستیم رودربایستی سراب است.

کاش قلبمان از طلا باشد نه از این چوبی‌های توی کارت دعوت کامیار و نسترن.

## آن روزها

### شکارچی تانک

**قدس‌زندگی:** غربی‌ها لابد اگر یک قهرمان یا تکاوری مثل شهید «محمدعلی صفا» داشتند، تا الان درباره زندگی و افتخارآفرینی‌هایش حداقل سه، چهار فیلم و مستند دهان پرکن ساخته و در سرتاسر جهان پخش کرده بودند، اما ما نه تنها به ساخت یک مستند کوتاه و محلی درباره این شهید اکتفا کردیم، بلکه حتی برای شناساندن او به مردم کشور خودمان هم اقدام خاصی انجام نداده‌ایم، به طوری که خیلی‌ها تا الان حتی نام این شهید بزرگوار را هم نشنیده‌اند.

محمدعلی سال ۲۸ در بجنورد به دنیا آمد. از همان دوران کودکی مشخص شد دست و بالش زیاد به درس و مشق نمی‌رود و همه فکر و ذکرش به دنبال ورزش به خصوص ورزش‌های رزمی است. دبیرستان را که تمام کرد، دوستانش به گوشش رساندند ارتش برای تشکیل یک یگان کماندویی دریایی در حال جذب نیروی ورزیده و قوی است. دوره‌های کماندویی حدود ۱۸ ماه به طول انجامید و در نهایت هشت نفر برای اعزام به «پایگاه کماندویی رویال مارین انگلستان» انتخاب شدند که محمدعلی هم یکی از آن‌ها بود.

در میان تمام افراد حاضر در این پایگاه، محمدعلی تنها کسی بود که توانست تمام دوره‌ها از جمله دوره‌های تخصصی تارزان کورس، پریدن از ارتفاع‌های بلند آبشار و کوه و دوره‌های رزمی را با بالاترین نمره پشت سر بگذارد و در میان بهت همه فرماندهان، همزمان مدرک تخصصی S.P.S شکار تانک را هم از پایگاه دریافت کند.

فرماندهان پایگاه موش‌های صحرایی انگلستان خیلی زود به این نتیجه رسیدند که محمدعلی یک نابغه نظامی است و باید برای گذراندن آموزش‌های تکمیلی انهدام ناوهای جنگی به پایگاه معروف جان اف کندی آمریکا فرستاده شود. شهید صفا در آن پایگاه هم با بالاترین نمره ممکن توانست به عنوان نخستین ایرانی، مدرک تخصصی کماندوی ویژه با عنوان انهدام ناوهای جنگی را دریافت کند.

فرماندهان پایگاه جان اف کندی او را برای گذراندن آخرین مرحله دوره‌های کماندویی که هر کسی قادر به گذراندن آن نیست، به دل جنگل‌های آمازون فرستادند و در میان بهت و حیرتشان، محمدعلی خیلی زود دوره «امید طولانی» در برزیل را هم با بالاترین نمره پشت سر گذاشت.

درحالی که بسیاری از کشورها برای به خدمت گرفتن او به عنوان فرمانده در ارتش کشورشان سر و دست می‌شکستند ترجیح داد به کشور خودش برگردد و اتفاقاً در همان روزهای اول انقلاب هم در درگیری با نیروهای ضدانقلاب در بوشهر، دچار مجروحیت شدید شد اما با آغاز جنگ تحمیلی، قید معافیت از رزم را زد و راهی خط مقدم شد.

همان روزهای ابتدایی جنگ هم بود که توانست با کمترین امکانات، همراه با نیروهای اندکش، رکورد شکار تانک در دنیا را بشکند و ۱۶۴ دستگاه از تانک‌های رژیم بعث را که با هدف اشغال خوزستان وارد کشورمان شده بودند، منهدم کند. بعدها که صدام موفق به اشغال خرمشهر شد، اعتراف کرد که کماندوی ایرانی، این شهر را تبدیل به «گورستان تانک» رژیم بعث کرده است.

۱۲ مهر ۵۹ بود که یک خمپاره ناغافل در کنار سنگر فرود آمد و محمدعلی صفا، در اثر برخورد ترکش‌های همین خمپاره به شهادت رسید. پس از شهادت این شهید بزرگوار، پایگاه کماندویی رویال مارین انگلستان، نامه‌ای به خانواده این شهید ارسال کرد و به آن‌ها تسلیت گفت. پس از آن‌هم به مدت سه روز پرچم پایگاهش را به احترام قهرمان ایرانی نیمه برافراشته نگه داشت. فرمانده این پایگاه همچنین دستور داد تندیس قهرمان ایرانی پایگاه رویال مارین انگلستان را به عنوان «شکارچی تانک» در قسمتی از پایگاه نصب کنند تا یاد و خاطره این شهید بزرگوار برای همیشه زنده بماند.

**مجید تربت‌زاده** | چه جوان باشید و فرزند خانواده و چه خودتان پدر و مادر باشید قطعاً در فضای مجازی متوجه شوخی‌ها، جوک‌ها و طنزهایی که به نظر می‌رسد سازنده‌هایش فقط نوجوانان و جوانان هستند و هدفشان هم سر به سر گذاشتن با والدین به‌خصوص پدرهاست، شده‌اید. خودتان بارها به این شوخی‌ها خندیده و حتی گاهی ممکن است بابت آن‌ها رنجیده باشید. برخی جامعه‌شناسان و محققان(خارجی) خیلی پیش از من و شما به این ماجرا حساس شده و می‌گویند رواج این نوع از ادبیات، طنز و شوخی‌ها در فضای مجازی و همچنین فیلم‌ها و سریال‌های متفاوت غربی، سبب شده نگاه نسل امروزی به جایگاه و نقش «پدر» در زندگی با گذشته متفاوت باشد.

### این شوخی‌ها را جدی بگیریم

چیزی که موجب شد سراغ این سوژه برویم، مقاله‌ای است که روز گذشته سایت «ترجمان» با عنوان «ناکافی و تحقیر شده/ چرا پدرهایی که در سریال‌های کمدی می‌بینیم این‌قدر دست‌وپاچلفتی هستند؟» منتشر کرد. یعنی از اینجا به بعد هم مطلب را با توجه به مطالب این مقاله جلو می‌بریم و سعی می‌کنیم در ادبیات فضای مجازی خودمان هم به مصداق‌هایی از پدران دست و پا چلفتی که گاه مزاحم آسایش و زندگی عادی سایر اعضای خانواده هستند اشاره کنیم. البته شاید بگویید برای ما ایرانی‌ها هنوز ماجرا خیلی جدی نشده است. شاید فکر می‌کنید همه چیز فقط به همین شوخی‌های فضای مجازی خلاصه می‌شود و فعلاً در فیلم‌ها و سریال‌های کمدی ایرانی خبر چندانی از به تصویر کشیدن پدران دست و پا چلفتی، حواس‌پرت و گیجی که اغلب دستمایه تمسخر فرزندان قرار می‌گیرند خبری نیست. اما آیا مطمئنید وضعیتی که جامعه‌شناسان امروز غربی از آن گلایه می‌کنند، سال‌ها پیش از ادبیات عامه و طنزهای روزمره زندگی آن‌ها آغاز نشده و سپس به فیلم‌ها و سریال‌ها راه پیدا نکرده است؟ یعنی تضمینی وجود دارد که پدران فیلم و سریال‌های ایرانی هم در چند سال آینده، آدم‌هایی دست و پا چلفتی، خنگ و بی‌عرضه‌نباشند؟

### تصویر پدر

در مقاله سایت ترجمان، به قلم خانم «اریکا شارر» آمده: «مدت زیادی است که پدر در سریال‌های کمدی در قالب آدمی نشان داده می‌شود که بی‌عرضه و دست‌وپا چلفتی است، اما همیشه این‌طور نبوده است. اگر کمی انصاف را رعایت کنیم، باید گفت در سریال‌های کمدی‌ای که دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی ساخته می‌شد؛ پدرها اغلب آدم‌هایی جدی، متین و دانا بودند. پژوهشگران حوزه رسانه چرخش رویکردی را نشان داده‌اند که می‌گوید در همین چند دهه اخیر است که پدرها به آدم‌هایی ابله و بی‌لیاقت تبدیل شده‌اند. با این‌حال در سال‌های اخیر شاهد آن بودیم که نقش‌ها و انتظاراتی که از پدران می‌رود، در دنیای واقعی تغییر کرده است. پدران امروزی برای فرزندانشان وقت بیشتری می‌گذارند و معتقدند انجام این کار بخشی کلیدی از هویتشان است. آیا سریال‌های کمدی امروزی هم مطابق همین تصویرِ واقعی هستند؟ من در رشته جنسیت و رسانه تحصیل می‌کنم و تخصصم درباره نحوه نمایشِ مردانگی است. به‌تازگی با همکارم تحقیقی انجام داده‌ایم؛ در این تحقیق به شکلی نظام‌مند خطوطی را دنبال کردیم که نشان می‌داد آیا تصویر پدر در سریال‌های کمدی تغییر کرده است یا نه؟»

### یک نمونه متفاوت

یکی بود، یکی نبود. در آلمانِ آغاز قرن بیستم، یک پدر و پسر زندگی می‌کردند. پدر نامش «اُریش اُزِر» بود که سال ۱۹۰۳ به دنیا آمده و در دانشکده هنر شهر لایپزیگ درس خوانده بود. ۲۸ سال پس از به دنیا آمدن خودش، پسرش کریستیان هم به دنیا آمد. پدر برای پسرش هم قصه‌های دلنشین می‌گفت و هم آن‌ها را نقاشی می‌کرد و از همان زمان هم کم‌کم فکر به تصویر کشیدن ماجراهای پدر و پسری در ذهنش شکل گرفت. نتیجه‌اش هم شد مجموعه «قصه‌های من و بابام» که فقط تصویری بود و هنوز هم از برجسته‌ترین کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان جهان به حساب می‌آید. این ماجراها و شوخی‌های پدر و پسری در ایران هم با همین نام به چاپ رسید با این تفاوت که «ایرج جهانشاهی» به قصه‌های تصویری متن اضافه و آن‌ها را منتشر کرد. این قصه‌ها با وجود برخورداری از طنز و کاریکاتور و اینکه اساس کار را بر «شوخی» گذاشته بود اما هرگز نشانه‌ای از تمسخر جایگاه و نقش پدرها در آن‌ها دیده نمی‌شد که هیچ، برای خودش کلی نکات آموزنده و به درد بخور هم داشت. این مورد را مثال زدیم که بگوییم آنچه امروز در فضای مجازی علیه پدرها جریان دارد، همه‌اش زیر سر طنز و یا شوخی نیست. چه اینکه طنز می‌تواند در بستری به جز تمسخر و تحقیر جریان داشته باشد و حرف خودش را بزند و اثرش را هم بگذارد.

### بی‌سرپرست‌ها

برگردیم به مطلب سایت «ترجمان». نویسنده مقاله می‌گوید: «در پژوهشی که در مورد سریال‌های کمدی انجام دادیم، قصدمان این بود که رابطه پدر و فرزندان را بررسی کنیم. در واقع می‌خواستیم نشان دهیم پدر بودن در فرهنگ آمریکایی چگونه تغییر کرده است؟

ما در تحقیقمان سریال‌های کمدی برتر با محوریت خانواده را شناسایی کردیم که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۷ روی آنتن رفته بودند... به طور تصادفی از هرکدام دو قسمت را انتخاب کردیم... در آخر به ۵۷۸ صحنه رسیدیم که در آن‌ها پدر، موضوع شوخی‌های تحقیرآمیز قرار گرفته بود؛ به این معنا که یا پدرها کسی را دست می‌انداختند یا فرد دیگری پدرها را دست می‌انداخت... سپس به صحنه‌هایی پرداختیم که پدران در کنار فرزندانشان بودند... در این تعاملات باید سه نوع کلیدی از رابطه پدر-فرزندی یعنی نصیحت‌کردن، خط و نشان کشیدن و امر و نهی با هدف تربیت رفتاری وجود می‌داشت. در اینجا قصدمان این بود که بفهمیم آیا این نوع تعامل سبب می‌شود پدران، موجوداتی ابله و خنده‌دار به‌نظر برسند یا نه؛ مثلاً پدرانی که در تصمیم‌گیری ضعیف جلوه می‌کنند یا بی‌لیاقت‌اند و کودکانه رفتار می‌کنند عامل این ماجرایند. به نحو شگفت‌انگیزی مشاهده کردیم در سریال‌های کمدی اخیر، پدران کمتر در مقام سرپرست ظاهر شده‌اند. همچنین در سریال‌های کمدی‌ای که از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ ساخته شده‌اند آنجایی که پدرها در مقام سرپرست بوده‌اند در ۵۰ درصد موارد آدم‌هایی ابله و خنده‌دار نمایش داده شده‌اند. این درحالی است که این عدد در سریال‌های کمدی دهه ۹۰ میلادی ۳۱ درصد و در سریال‌های کمدی دهه ۸۰ میلادی ۱۸ درصد بوده است!»

### کولر را من خاموش می‌کنم

نویسنده و محقق مقاله در نوشته‌هایش به نکته دیگری هم اشاره می‌کند. یعنی در این تحقیق ابتدا متوجه شده پدر در سریال‌های کمدی جدیدتر، در مقایسه با سریال‌های کمدیِ قدیمی‌تر، بیشتر موضوع شوخی و خنده قرار گرفته است. اما نکته عجیب این است که هرچه جلوتر آمده و به امروز نزدیک شده، سریال‌ها کمتر مادرها را مورد تمسخر قرار داده‌اند. بعد هم نتیجه گرفته که در سریال‌های امروزی غربی، تصویر فمینیستی زنان هر روز پررنگ‌تر شده و حضور آن‌ها در میدان و عرصه کارهای مختلف بیشتر به نمایش درمی‌آید.

حالا نکته اینجاست که کاش در ادبیات فضای مجازی ما و شوخی‌های رایج در آن، ماجرا مثل همین تحقیقی که مثال زدیم فقط به پدرها ختم می‌شد. شوربختانه در این فضا فقط پدرها نیستند که مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرند. در جوک‌ها و شوخی‌های مجازی و امروزی ما، همه مشغول به شوخی گرفتن یکدیگر و حتی تمسخر و توهین به هم هستند. از دید فرزندان، پدرها اگر مثل نمونه‌های غربی دست و پا چلفتی و احمق نباشند، موجودات مزاحم، بی منطق، خشمگین و خودخواهی هستند که در اوج گرمای تابستان به فکر صرفه‌جویی و خاموش کردن کولر می‌افتند و مالکیت بر کنترل تلویزیون فقط حق خودشان است! مادرها هم اعضای قابل ترحم خانه به شمار می‌روند که جز چشم و همچشمی چیزی بلد نیستند، غرزن و ایرادگیر هستند و از مسائل روز جهان، پیشرفت‌ها و... چیزی نمی‌دانند، برای همین وقتی شما نمایشگر کامپیوترتان را برای تعمیر می‌برید، گیر می‌دهند که: «بالا سر یارو وایسا... عکس عروسی اینا توشه!»

در فضای مجازی و از دیدگاه پسرها، دخترهای خانواده هم موجوداتی عجیب و غریب و اغلب با درک و شعور پایین هستند که همه هم و غمشان، ست کردن کفش، کیف، رنگ مو و... با موبایل صورتی رنگی است که به‌تازگی خریده‌اند. در چنین حالتی طبیعی است که در جوک‌ها و شوخی‌های ساخته دست دختران، پسران هم موجودات متوهم و یا کله شقی باشند که پدر و مادرها دائم آن‌ها را سرزنش و تحقیر می‌کنند و بعید است در آینده بتوانند خودشان را اداره کنند چه برسد به اینکه سرپرست و پدر خانواده شوند.

یعنی اینکه اگرچه در سریال‌های ما هنوز خبری از پدرهای دست و پا چلفتی غربی نیست اما به جای آن در شوخی‌های فضای مجازی‌مان همه اعضای خانواده مشغول تحقیر یکدیگرند. به نظر شما نباید این حجم از شوخی و تحقیر، کم کم نگرانمان کند؟ آیا کودکان و نوجوانان امروزی، فردا که بزرگ‌تر شوند چه تصویری از پدر، مادر، برادر و خواهر را در فیلم و سریال‌هایشان به نمایش درمی‌آورند؟

## ورزش

۱۰ ۱۱

نگاهی به بازی‌های باقیمانده مدعیان کسب سهمیه

### سایه سایت‌های شرط بندی روی ۱۰ بازی ۶ امتیازی

نَه کرونا و نه درخواست کورتریک بلژیک

### نادری در فهرست سیاه یحیی؟

حمیداوی: استان برای سهمیه آسیا متحد شود

### «شهرخودرو» و دومین صعود به جام باشگاه‌ها؟

## روایت مجازی

### پیام اصلی چیست؟

**قدس‌زندگی:** ماجرای برگزاری گردهمایی گروهک منافقین هنوز در فضای مجازی داغ است. به خصوص آنکه این گردهمایی به طور زنده از شبکه «ایران اینترنشنال» پخش شده است. کاربران فضای مجازی پس از پخش زنده این مراسم از شبکه سعودی اینترنشنال، چندین هشتگ را در این زمینه در توییتر داغ کردند و به روش‌های مختلف اعتراضشان را به این موضوع اعلام کردند.

حالا اما پس از گذشت چند روز از این ماجرا، علی علیزاده، تحلیلگر مسائل سیاسی با انتشار پستی در فضای مجازی، مطلبی را درباره پشت‌پرده شبکه سعودی ایران اینترنشنال منتشر و جنگ رسانه‌ای این شبکه و دیگر شبکه‌های غربی را تحلیل کرده است.

در ادامه بخشی از یادداشت علیزاده در واکنش به پخش مستقیم گردهمایی گروهک منافقین در رسانه سعودی ایران اینترنشنال را می‌خوانید.

دو سال پیش اعلام کردم منبع مالی تلویزیون ایران اینترنشنال، پول سعودی است. مدیریت تلویزیون ایران اینترنشنال به دادگاه احضار و تهدیدم کرد. همان موقع با ضبط چند پیام ویدئویی از فعالان مدنی داخل و خارج خواستم رابطه‌شان با این تلویزیون را قطع و به صورت علنی این تلویزیون را تحریم کنند. اما متأسفانه پس از دو سال هنوز بسیاری حتی از داخل خاک ایران با این تلویزیون ارتباط دارند. از جمله صادق زیباکلام و عبدالرضا داوری از نزدیکان احمدی‌نژاد. حالا دیشب این تلویزیون دوباره نشست سالانه فرقه رجوی را مستقیم پخش کرده و عده‌ای خشمگین شده و کمپین راه انداخته‌اند. اما پوشش زنده مجاهدین جای تعجب ندارد. این تلویزیون متعلق به سعودی است و هدف سعودی تجزیه ایران و کشاندنش به جنگ داخلی است. همان‌طور که با سوریه و لیبی و یمن و عراق کرد. ولی سعودی نمی‌تواند این را مستقیم بگوید. پس باید اول با دعوت از فعالان حقوق بشر و مدافعان برابری جنسیتی و فعالان دانشجویی و طرفداران محیط زیست و مدافعان حقوق کارگران برای خودش اعتباری دست و پا کند و بتواند رنگ و لعابی به صورتش بزند تا مخاطب را به خودش جلب کند و بعد بتواند پیام اصلی را منتقل کند.

اما پیام اصلی چیست؟ پیام اصلی عادی‌سازی فرقه‌های تروریستی مثل الاحواز و مجاهدین و از بین بردن تدریجی حساسیت جامعه ایران به این فرقه‌ها و ریختن قبح اسم آن‌هاست. چه باید کرد؟ اگر در منزل اقوام و دوستانتان ببینید تلویزیون فرقه رجوی روشن است چه می‌کنید؟ اگر دیدید ایران اینترنشنال روشن است هم همان برخورد را بکنید. اگر بفهمید صادق زیباکلام با تلویزیون فرقه رجوی مصاحبه کرده چه برخوردی با او می‌کنید؟ بار دیگر که به ایران اینترنشنال رفت همان برخورد را کنید.

اگر نتوانیم این کثیف‌ترین و ضعیف‌ترین حلقه جنگ رسانه دشمن را بشکنیم و از فضای ذهنی ایران پاک کنیم، مطمئن باشید هرگز نمی‌توانیم حلقه‌های پیچیده‌تر و با ظرافت‌تری مثل من‌وتو و بی‌بی‌سی و رادیوفردا را از فضای ذهنی ایرانیان دور کنیم.

### آرتتا: دو تیم برتر اروپا را شکست دادیم

**ورزش:** پس از پیروزی آبرصفر مقابل منچسترسیتی در جام حذفی که چهار روز بعد از شکست لیورپول در لیگ برتر همراه بود، میکل آرتتا سرمربی آرسنال به تمجید از کار شاگردانش پرداخت. میکل آرتتا می‌گوید: «از عملکردمان در چهار یا پنج روز اخیر واقعاً راضی هستم. ما دو تا از بهترین تیم‌های اروپا را شکست دادیم. واقعاً از عملکرد بازیکنانم و نحوه جنگیدنشان در زمین راضی هستم. اگر ما فاتح جام حذفی بشویم، راهی لیگ اروپا خواهیم شد و به لحاظ مالی قدرتمندتر خواهیم شد، از این رو باید کمی صبور باشیم».

### ویلیان: شروطم پذیرفته شود، فردا تمدید می‌کنم

**ورزش:** هافبک برزیلی تیم فوتبال چلسی برای تمدید قراردادش با این تیم در صورت پذیرفته شدن شروطش اعلام آمادگی کرد. ویلیان می‌گوید: «این درخواست من از باشگاه بوده است؛ یک قرارداد سه ساله اگر آن‌ها با آن موافقت کنند، من هم خودکار را برمی‌دارم و همین فردا قرارداد جدید را امضا می‌کنم. من چند ماه پیش با باشگاه مذاکراتی داشتم، حتی قبل از تعلیق لیگ. چلسی به من قرارداد دو ساله پیشنهاد داده اما من سه ساله خواسته‌ام، هدفم این است که قرارداد بعدی‌ام سه ساله باشد. به همین دلیل من هنوز با چلسی برای عقد قرارداد جدید به توافق نرسیده‌ام».

### مورینیو: مردم نگاهی متفاوت به من دارند

**ورزش:** آقای خاص می‌گوید: انتظارات از او بالاست، برای همین مردم به او متفاوت نگاه می‌کنند. زوزه مورینیو معتقد است: «مردم نگاهی متفاوت به من دارند. می‌دانم که آن‌ها از من انتظار انجام کارهایی را دارند که از خیلی از مربیان انتظار انجام چنین کارهایی نمی‌رود. من خیلی اخبار را نمی‌خوانم اما در مواجهه با برخی پرسش‌ها که از من می‌شود، چنین حسی دارم. برای مثال پس از برتری ۳ بر یک مقابل نیوکاسل نخستین پرسشی که از من شد درباره بازی ندادن به یکی از بازیکنان بود. اگر مربیان دیگر بازیکنی را بازی ندهند مشکلی نیست».

### گوارادیولا: این‌گونه نمی‌شود رئال را شکست داد

**ورزش:** سرمربی تیم فوتبال منچسترسیتی به شاگردانش درباره عواقب به نمایش گذاشتن عملکردی مشابه آنچه مقابل آرسنال و بورنموث ارائه دادند هشدار داد. پپ گواردیولا معتقد است: «آخرین بازی‌های مقابل بورنموث هم خوب نبود و این‌بار مقابل آرسنال هم در نیمه اول عملکرد خوبی نداشتیم. ما برای ارائه بازی همیشگی‌مان مشکل داشتیم. مشخص بود که ممکن است بازی را ببازیم. لازم به داشتن نبوغ نیست که درک کنیم برای بازی مقابل رئال مادرید و برای داشتن کوچک‌ترین شانسی برای صعود باید کیفیت بازی‌مان را بالا ببریم. ما عملکرد خوبی نداشتیم».



## ضد حمله

### حسینی، غفوری و خلیل‌زاده نامزد بهترین مدافعان لیگ قهرمانان ۲۰۱۸

**ورزش:** نام یک مدافع از استقلال و دو مدافع از پرسپولیس، در میان اسامی نامزدهای عنوان بهترین مدافع لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۸ قرار دارد. سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) از کاربران خود خواست بهترین مدافعان لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۸ را انتخاب کنند و در بین اسامی اعلام شده نام وریا غفوری از استقلال در بخش دفاع راست و شجاع خلیل‌زاده و سید جلال حسینی از پرسپولیس، در بخش مدافع وسط دیده می‌شود.

### فرار ریوآوه از شکست با درخشش طارمی

**ورزش:** تیم ریواوه در دیداری خانگی از هفته سی‌وسوم لیگ برتر پرتغال به نتیجه تساوی بسنده کرد. شنبه شب دیدار تیم‌های ریواوه و سانتا کلارا با نتیجه تساوی ۲ بر ۲ به پایان رسید و دو تیم به تقسیم امتیاز رضایت دادند. طارمی ابتدا در دقیقه ۲۳ پاس در عرض هم تیمی خود را در محوطه جریمه حریف به گل اول مسابقه تبدیل کرد. ریواوه در ادامه دو گل از حریفش دریافت کرد و بازی تا دقیقه ۸۰ با نتیجه ۲ بر یک به سود سانتاکلارا در جریان بود. در دقیقه ۸۰، ریواوه صاحب یک موقعیت پنالتی شد و طارمی در دقیقه ۸۱ ضربه پنالتی را به گل تساوی تبدیل کرد. به این ترتیب ریواوه از شکست در این مسابقه فرار کرد.

### مصدومیت مهدی ترابی از ناحیه همسترینگ

**ورزش:** مهدی ترابی در دقیقه ۵۹ بازی پرسپولیس مقابل فولاد خوزستان دچار مصدومیت شد تا از ادامه حضور سرخپوشان پایتخت کنار گذاشته شود.

علیرضا حقیقت پزشک تیم فوتبال پرسپولیس پس از برد یک بر صفر این تیم مقابل شاگردان جواد نکونام در خصوص آسیب دیدگی این بازیکن گفت: مصدومیت او از ناحیه رباط صلیبی نیست. همسترینگ پای چپ او دچار آسیب شده است که به زودی میزان دوری او از تمرینات مشخص می‌شود.

### آزمون مؤثرترین بازیکن فصل لیگ فوتبال روسیه شد

**ورزش:** سایت «چمپیونات» روسیه به ارزیابی بازیکنان تأثیرگذار در فصل ۲۰۱۹-۲۰۲۰ لیگ این کشور پرداخت که نام سردار آزمون، مهاجم ملی پوش کشورمان و عضو باشگاه زنیت در صدر مؤثرترین بازیکنان قرار گرفت. بنا به آمار این رسانه روسی آزمون در این فصل ۱۶ گل برای زنیت به ثمر رساند که هفت گل آن سه امتیازی بود. یعنی این هفت گل تعیین کننده پیروزی زنیت در بازی به شمار می‌آمد.

### اعتراض شاهین بوشهر به سرآسیایی و قربانی

**ورزش:** سرپرست تیم فوتبال شاهین بوشهر می‌گوید: سهیل مهدی حق صدور مجوز به قربانی و سرآسیایی را برای نشستن روی نیمکت گل گهر نداشته است. خداکرم ایزدپناه سرپرست و مدیر تیم فوتبال شاهین بوشهر در گفتگوی با «ورزش سه» با انتقاد از حضور پیروز قربانی و مجتبی سرآسیایی بدون کارت بازی روی نیمکت این تیم در دیدار شاهینی‌ها برابر گل گهر بیان کرد: هیچ کدام از این دو مربی کارت بازی نداشتند و نمی‌دانم با چه اجازه‌ای روی نیمکت نشسته‌اند. ما اعتراض خودمان به این موضوع را به صورت رسمی به فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ ارسال خواهیم کرد.

### نعمتی: ان‌شاءالله قهرمانی پنجم با حضور هواداران

**ورزش:** سیامک نعمتی، گلزن پرسپولیس در دیدار مقابل فولاد ابراز امیدواری کرد این تیم به پنجمین عنوان قهرمانی متوالی در لیگ دست پیدا کند تا با حضور تماشاگران این تیم، در ورزشگاه آزادی جشن قهرمانی بگیرند. نعمتی درباره پیروزی مقابل فولاد گفت: ما دوست داشتیم این قهرمانی چهارم که برای نخستین بار در تاریخ فوتبال ایران اتفاق می‌افتد را کنار هواداران باشیم اما این کرونا سبب شد تا از آن‌ها دور باشیم. حالا از همین راه دور به آن‌ها تبریک می‌گویم و ان‌شاءالله بتوانیم قهرمانی در آسیا را هم بدست بیاوریم. او درباره گلزنی مقابل فولاد همچنین گفت: خدا به من رو کرده تا گل‌های حساس تیم به نام من شود و خدا را شکر می‌کنم و از همه بچه‌ها و کادرفنی ممنونم.

### رکوردشکنی تاریخی پرسپولیس در لیگ برتر

**ورزش:** پرسپولیس با شکست فولاد خوزستان موفق شد هزارمین امتیاز خود را در تاریخ لیگ برتر کسب کند. تیم فوتبال پرسپولیس با برد مقابل فولاد خوزستان در جدول رده‌بندی ۵۹ امتیازی شد تا در یک قدمی چهارمین قهرمانی متوالی قرار بگیرد. این برد علاوه بر اینکه پرسپولیس را در آستانه قهرمانی قرارداد سبب شد تا شاگردان یحیی گل‌محمدی در ادوار مختلف لیگ برتر هزار امتیازی شود.

پرسپولیس تا پیش از این بازی ۹۹۹ امتیازی بود، اما با برد فولاد این تعداد امتیاز به هزار رسید تا پرسپولیس به این مهم در تاریخ لیگ برتر دست پیدا کند.

### واکنش سرپرست استقلال به مدرک پارس جنوبی در استیناف

**ورزش:** غیبت استقلال در بازی با پارس جنوبی به استناد ابتلای بیش از ۲۵ درصد اعضای این تیم به ویروس کرونا به یکی از پرونده‌های شهیدار فوتبال ایران تبدیل شده و به تازگی مدرکی منتسب به تیم پارس جنوبی جم منتشر شده است که نشان می‌دهد تعداد افرادی که در این تیم به ویروس کرونا مبتلا شدند زیر ۲۵ درصد بوده است و با توجه به همین مدرک است که پارس جنوبی سفت و سخت درخواست تجدیدنظر در پرونده را به کمیته استیناف داده است تا به نتیجه بهتری دست یابد.

در این رابطه سعید رمضانی، سرپرست تیم فوتبال استقلال در گفت و گو با ایسنا، درباره این مدرک اظهار کرد: این فهرست به هیچ عنوان درست نیست. لیست تیم ما در اختیار سازمان لیگ است و چیزی که منتشر شده است به دوران قبل از کرونا برمی‌گردد. او ادامه داد: در حال حاضر یوسف دانشیار و هادی مبارشی چرا در این فهرست حضور دارند؟ این دو نفر مدت‌هاست از استقلال جدا شده‌اند. این‌ها خوهایی است که علیه استقلال به وجود می‌آورند.

نَه کرونا و نه درخواست کور تریک بلژیک

## نادری در فهرست سیاه یحیی؟

**ورزش:** مدافع چپ پرسپولیس در اقدامی عجیب از سوی یحیی گل محمدی در فهرست بازی با فولاد خوزستان قرار نگرفت تا شایعات ناغی درابن‌باره شکل گیرد. محمد نادری که در تمرینات پیش از شروع دوباره لیگ دچار آسیب دیدگی تا ناحیه عضله شده بود، اکنون چهار بازی اخیر تیمش را از دست داده است. دو روز پس از مصدومیت نادری در تمرینات (۱تیرماه)، علیرضا حقیقت پزشک پرسپولیس مدعی شد که این مصدومیت جدی نیست و تلاش برای حضور او برابر پیکان را دنبال خواهند کرد.

با این حال محمد نادری که چهار روز قبل از بازی با پیکان در اختیار کادرفنی قرار گرفته بود، توانست برابر پیکان در ترکیب قرار گیرد. بعد از بازی با پیکان اما بار دیگر نادری دچار آسیب دیدگی شد و دیدار مقابل شاهین بوشهر را از دست داد.

**اما گفته می‌شود** نادری مدعی شده که شرایط حضور در جدال با شاهین بوشهر را داراست و می‌خواهد در روزی که دراگان اسکوچیچ به عنوان سرمربی تیم ملی در استادیوم آزادی حضور یافته، توانایی خود را نشان داده و شانس حضور در تیم ملی را برای خود افزایش دهد. موضوعی که نهایی نشد و در نهایت او از لیست بازی هم خارج شد. اقدامی که برابر ماشین سازی نیز تکرار شد و کادر فنی پرسپولیس مدعی شد به دنبال استراحت دادن به این بازیکن برای آماده سازی او در جدال‌های بعدی است.

در نهایت اما در شرایطی که محمد نادری در تمرینات گروهی پیش از بازی با فولاد نیز در جمع دیگر بازیکنان حضور یافته بود، ۲۸ ساعت قبل از این بازی در لیست نفرات ذخیره در فوتبال درون تیمی به میدان رفت. اقدامی که در آستانه بازی هم تکرار شد تا مشخص شود یحیی گل محمدی قصد بازی دادن به این بازیکن برابر فولاد خوزستان در ترکیب اصلی تیمش را ندارد.

**۲ شایعه**

دقایقی پس از انتشارفهرست و اعلام ترکیب پرسپولیس شایعات زیادی درباره این اقدام یحیی گل محمدی شکل گرفت؛ از موضوع مثبت شدن کرونای این بازیکن تا مخالفت باشگاه گورتریک بلژیک برای بازی کردن این بازیکن بعد از اتمام قرارداد قرضی‌اش در پایان فصل لیگ این کشور!

**دلخوری از یحیی؟**

در این زمینه گفته می‌شود پس از اعلام آمادگی نادری برای حضور در بازی با شاهین که از سوی کادرفنی رد شد، او با ناراحتی در این قضیه برخورد خود را نشان داده که باعث تمدید نیمکت نشینی‌اش برابر ماشین سازی شده است. در ادامه نیز حضور در جمع نفرات ذخیره تیم و استفاده از بازیکن غیرمتخصص در پست دفاع چپ باید دید در فاصله پنج هفته مانده به پایان فصل و در حالی‌که پرسپولیس با از دست دادن محمد انصاری، مدافع چپ دیگری در اختیار ندارد و پیش از این نیز زمزمه تمدید قرارداد و دریافت رضایت‌نامه دائمی او از باشگاه گورتریک شنیده می‌شد، در نهایت ماجرای نادری، یحیی و پرسپولیس به کجا خواهد رسید.

نگاهی به بازی‌های باقیمانده مدعیان کسب سهمیه

## سایه سایت‌های شرط بندی روی ۱۰ بازی ۶ امتیازی

**سینا حسینی:** لیگ نوزدهم را می‌توان عجیب و غریب‌ترین لیگ در ادوار گذشته نام‌گذاری کرد، لیگی که با بیشترین وقفه برگزار شد تا سرنوشت قهرمان تیم‌های صعود کننده به لیگ قهرمانان و تیم‌های سقوط کننده روشن شود. هرچند بسیاری پرسپولیس را به عنوان قهرمان این دوره مسابقات می‌دانند اما روی کاغذ هنوز رقبای این تیم شانس قهرمانی دارند که احتمال این اتفاق در پایین‌ترین حد ممکن قرار دارد اما به همان میزان که پرسپولیس شانس قهرمانی دارد، تیم‌های دوم تا ششم لیگ خود را مدعی کسب سهمیه می‌دانند و معتقدند در پنج هفته پایانی می‌توانند با غلبه بر حریفان خود به این موفقیت بزرگ دست پیدا کنند.

**۲ تیم سرنوشت ساز**

با نگاهی به بازی‌های باقیمانده تیم‌های دوم تا ششم می‌توان به این باور رسید که هنوز نمی‌توان درباره تیم‌هایی که سهمیه صعود در لیگ قهرمانان آسیا را بدست آوردند با قطعیت صحبت کرد. اما نکته جالب توجه اینجاست دو تیم در سرنوشت این پنج تیم بیشترین نقش را ایفا خواهند کرد.

نساجی مازندران که در حال حاضر روی پله نهم جدول رده بندی قرار دارد، یکی از تیم‌هایی است که نقش بسیار مهمی در کسب سهمیه این تیم‌ها ایفا می‌کند، به جز تراکتورسازی، تیم‌های سپاهان، شهرخودرو، استقلال و فولاد باید با این تیم بازی کنند از این رو نتایج محمود فکری که تا به امروز به همراه نساجی عملکرد قابل قبولی داشته است بسیار تعیین کننده است.

اما در کنار فکری، پیکان و عبدالله ویسی هم جزو مربیانی است که در تعیین سرنوشت تیم‌های مدعی برای کسب سهمیه آسیا تأثیرگذار است، پیکان با سه تیم از پنج تیم بازی دارد و می‌تواند با توقف هر یک از این تیم‌ها شانس تیم دیگر را افزایش دهد، تراکتورسازی، سپاهان و استقلال که هر یک به شکلی در جدال پیکان بازی کنند، از آنجا که شاگردان ویسی هنوز هم خطر سقوط به لیگ دسته یک را احساس می‌کنند بدون تردید از پیش بازنده نیستند و می‌توانند خطری بزرگ برای این تیم‌ها به حساب آیند.

**مرگ و زندگی**

اما این پنج تیم در طول این پنج هفته باید ۱۰ بازی ۶ امتیازی برگزار کنند، که این اتفاق دومین عاملی است که می‌تواند تأثیر فزاینده‌ای در سرنوشت آن‌ها داشته باشد. بیشترین بازی ۶ امتیازی متعلق به شهرخودرو مشهد است. این تیم باید با تراکتورسازی، سپاهان و استقلال بازی کند که این مسئله نه تنها برای سهراب بختیاری زاده بی‌تجربه بسیار ترسناک بلکه برای هواداران شهرخودرو نیز بسیار استرس راست چون در صورت ناکامی در یکی از این دیدارها آن‌ها نیز همانند صنعت نفت آبادان شانس خود را از دست می‌دهند. تراکتورسازی تبریز، سپاهان و استقلال تهران هر یک دو بازی ۶ امتیازی دارند که این مسئله برای مربیان این سه تیم هم بسیار مهم است. در این بین فولاد خوزستان تنها یک بازی ۶ امتیازی دارد که باید در هفته پایانی مسابقات در خانه برابر تراکتورسازی تبریز ظاهر شود. دیداری که می‌تواند تنور رقابت در صدر جدول را تا روز آخر و لحظه پایانی داغ نگه دارد.

**شانس بالای فولاد**

اما در میان این پنج تیم، تیم فولاد خوزستان شانس بسیار زیادی برای کسب سهمیه نسبت به سایر تیم‌ها دارد، در شرایطی که سه تیم از این جمع باید پنج بازی برگزار کنند، تیم فولاد خوزستان به جز پنج بازی باقیمانده دو بازی معوقه نیز دارد که این اتفاق به عنوان یک فرصت مطلوب برای نکونام و شاگردانش به حساب می‌آید هرچند که آن‌ها معتقدند این تعداد بازی می‌تواند انرژی آن‌ها را برای حضوری پر قدرت در لیگ برتر کاهش دهد، استقلال تهران نیز یک بازی معوقه دارد که با احتساب بازی‌های باقیمانده ۶ بازی دارد البته این اتفاق به شرطی رقم می‌خورد که کمیته استیناف شکایت پارس جنوبی جم را نپذیرد در غیر این صورت استقلال فرصت بازی سه با پارس را از دست خواهد داد و همانند سه تیم دیگر تنها پنج بازی برای کسب سهمیه آسیا فرصت خواهد داشت.

**ورود نهادهای نظارتی**

اما در این میان بزرگ‌ترین آسترس و نگرانی اهالی فوتبال و مدیران باشگاه‌های لیگ برتری نظارت دقیق و به موقع ارکان انضباطی و نهادهای نظارتی و قضایی بر شرایط برگزاری مسابقات است، در هفته‌های اخیر مشاهده چند مورد مشکوک در جریان بازی‌های لیگ برتر شائبه دخالت برخی افراد سودجو و فرصت طلب از حساسیت حاکم بر مسابقات منتشر شد به همین دلیل انتظار می‌رود نهادهای نظارتی بیشتر از هر زمانی روی این ماجرا حساسیت به خرج دهند تا نتایج مسابقات در داخل مستطیل سبز رقم بخورد و خدای ناکرده پای سایت‌های شرط بندی و مافیای دلالی در این حوزه باز نشود، از طرفی مسئولیت کمیته فوتبال فوتبال فوتبال در این بین مهم و حیاتی است تا با انتخاب کوپل‌های داوری مسلط و با تجربه از بروز هرگونه شائبه و اشتباه تأثیرگذاری جلوگیری کنند.

گلایه‌های نوشاد

## عالمیان: چند ماه است از جیب می‌خورم

**ورزش:** بازیکن چیدمات تنیس روی میز ایران که تاریخی‌ترین مدال این رشته را در اختیار دارد از شرایط خود گلایه کرد و گفت: ماه‌هاست از جیب هزینه می‌کنم و می‌خورم اما هیچ کسی به فکرمان نیست.

به گزارش مهر، نوشاد عالمیان تنها بازیکن تنیس روی میز ایران است که در کنار مدال‌های رنگارنگ از مسابقات بین‌المللی مختلف، سابقه حضور در دو دوره بازی‌های المپیک (المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو) را هم دارد. این در حالی است که نوشاد عالمیان تاریخی‌ترین مدال تنیس روی میز ایران را در اختیار دارد. این مدال در جریان بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ اندونزی پس از ۵۲ سال بدست آمد.

**آسیب مالی دیدم**

نوشاد عالمیان با تأکید بر اینکه کرونا تمام برنامه‌هایش را در بخش باشگاهی و ملی مختل کرد گفت: در این شرایط متحمل آسیب مالی زیادی شدم چون دریافتی‌هایم قطع شد درحالی که نه شغلی دارم نه منبع درآمد ثابتی به عنوان حقوق.

**نه شغل دارم نه حقوق و بیمه**

وی ادامه داد: ۲۰ سال است که تنیس روی میز بازی می‌کنم، ۱۵ سال هم است که عضو تیم ملی هستم، در مسابقات مختلفی شرکت داشتم و مدال گرفته ام، سرآمد مدال‌هایم هم با عنوان سومین بازی‌های آسیایی و یک رکوردشکنی بدست آمد. بااین حال نه شغل ثابتی دارم و نه بیمه هستم، استخدام هیچ کجا نیستم و حقوقی هم نمی‌گیرم.

**دریافتی‌هایم قطع شده است**

این چهپ دست تنیس روی میز ایران تأکید کرد: منبع درآمد و دریافتی‌هایم از مسابقات باشگاهی بود که به خاطر کرونا لغو شدند. البته مسئولان تیم اعلام کرده اند طبق قرارداد پرداختی به ما خواهند داشت اما مشخص نیست انجام شود. از طرفی به واسطه حضور در لیگ فرانسه هم یک منبع درآمد دیگر برای خودم ایجاد کرده بودم اما این رقابت‌ها هم به خاطر کرونا در تیم فعل تمام شده اعلام شد و بدین ترتیب بخشی از قراردادم را نگرفتم.

**از جیب می‌خورم**

عالمیان با بیان اینکه از چهار - پنج ماه پیش این شرایط را دارد خاطرنشان کرد: در واقع از جیب هزینه می‌کنم و می‌خورم، کسی هم به فکرمان نیست که وقتی شغل و درآمد نداریم چه می‌کنیم. الان هم این صحبت‌ها را مطرح می‌کنم، اصلاً نمی‌دانم فایده دارد یا نه؛ من بارها درخواست استخدام را مطرح کرده ام اما اصلاً به نتیجه نرسیده است.

**تمرین بدون مسابقه**

وی افزود: البته جدا از مسئله کرونا و شدت گرفتن دوباره آن، انگیزه زیادی هم برای ادامه تمرین ندارم. تمرین چندماهه بدون اینکه مسابقه‌ای داشته باشیم خیلی سخت و کسل کننده است به خصوص اینکه اصلاً هم نمی‌دانیم چه زمانی وارد میادین خواهیم شد. اینکه ما ماه‌ها بدون هدف تمرین کردیم واقعاً خسته کننده بود.

## منهای فوتبال

### کاوه: چاره‌ای جز تصمیم‌گیری در وضعیت بحرانی نداریم

**ورزش:** مدیر تیم‌های ملی کشتی آزاد گفت: شرایط فعلی نه برای مربی ایده‌آل است و نه کشتی‌گیر اما اگر به این سمت برویم حتماً مسابقات جهانی برگزار می‌شود، چاره‌ای نداریم که در شرایط بحرانی تصمیم‌گیری کنیم.

محسن کاوه در مورد جلسه اخیرش با سرمربیان تیم‌های ملی آزاد جوانان و زیر ۲۳ سال اظهار کرد: چند روز پیش جلسه‌ای در رابطه با پیش‌بینی برنامه‌های تیم‌های ملی جوانان و امید با تقی اکبرنژاد و یزدان درستکار داشتیم تا ببینیم اگر قرار به برگزاری مسابقات جهانی در این رده‌های سنی بود و این موضوع در مرداد ماه قطعی شد، بدانیم باید با چه برنامه و روشی پیش برویم و در این شرایط باید چه راهکاری داشته باشیم، البته همه چیز را منوط کردیم به اینکه اصلاً مسابقه هست یا نیست.

### اشکانی: لیگ برتر پُر از کرونا می‌شود

**ورزش:** سرمربی پیشین تیم ملی کشتی فرنگی ایران گفت: با شرایط موجود و شیوع دوباره ویروس کرونا بهتر است لیگ‌های کشتی برگزار نشود.

علی اشکانی در مورد اینکه چقدر امکان برگزاری لیگ برتر کشتی آزاد و فرنگی در شرایط موجود برای فدراسیون کشتی وجود دارد اظهارکرد: در این وضعیت لیگ برگزار نشود بهتر است. الان در لیگ فوتبال مسابقات را انجام می‌دهند که نصف کشتی هم برخورد ندارد، اما این مشکلات به وجود آمده و هر روز تعداد مبتلایان به کرونا در فوتبال بیشتر از قبل می‌شود. در کشتی ضربان قلب آن‌قدر بالا می‌رود که نزدیک ۲۰۰ می‌شود. کشتی نیاز به اکسیژن زیاد دارد و همین موضوع سبب می‌شود کشتی‌گیر بیشتر در معرض ابتلا به ویروس قرار بگیرد.

### هشدار رئیس سابق فدراسیون؛ دوومینگ رها شده است

**ورزش:** رئیس سابق فدراسیون دوومیدانی گفت: دوومیدانی در سقوط سختی قرار دارد که جمع کردن آن بسیار مشکل است. محمدرضا کاظمی آشتیانی در مورد وضعیت دوومیدانی کشور اظهار کرد: وضعیت دوومیدانی آن‌قدر بد شده است که باید بگویید کجای آن مشکل ندارد.

یک عده فکر می‌کنند مشکل این رشته نداشتن رئیس است، اما اگر رئیس هم بیاید باز هم حل نمی‌شود، چون این مشکلات سال‌هاست که در هم تنیده‌اند و احتیاج به رسیدگی خاص دارد. کاظمی آشتیانی با اشاره به بحث دوومینگ گفت: مشکل بزرگ‌تری هم دوومیدانی است که آن هم دوومینگ است. دوومینگ در فدراسیون رها شده است. آن زمان ما با خون دل دوومینگ را کنترل کردیم، اما الان کنترلش خارج شده است و همه این‌ها تبدیل به مشکل می‌شود.

### از دست رفتن کرسی «IOC» ۱۶ ساله شد

**ورزش:** اعضای جدید کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) عصر جمعه معرفی شدند تا بازهم عدم حضور نماینده ایران در این مجمع بین‌المللی به چشم بخورد. صد و سی و ششمین نشست سالیانه کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) عصر روز جمعه به صورت ویدئو کنفرانس برگزار شد. در این نشست پنج عضو جدید معرفی شدند که در بین آن‌ها دو نماینده از آسیا حضور دارند که از عربستان و مغولستان هستند.

ناگفته گوشه به اعضای (IOC) خاطره سال‌های دور را به یاد ما می‌آورد؛ زمانی که ایران هم نماینده داشت و مصطفی هاشمی‌طبا عضو ایرانی کمیته بین‌المللی المپیک بود. یک کرسی هم که با بدبیلگی از دست رفت و پس از گذشت ۱۶ سال، هنوز بدست نیامده است.

### ترکیب تیم ملی شطرنج در مسابقات المپیاد جهانی

**ورزش:** نام ۱۰ شطرنج باز ایرانی متشکل از پنج آقا و پنج خانم به فدراسیون جهانی، برای بازی در رقابت‌های المپیاد جهانی شطرنج آنلاین ارسال شده است. در این مسابقات ۱۶۰ تیم به مصاف یکدیگر خواهند رفت. نام ۱۰ شطرنج بازی که در این مسابقات می‌توانند با صلاحدید کادر فنی به رقابت بپردازند به شرح زیر است:

**آقایان:** ۱- پرهام مقصودلو ۲- احسان قائم مقامی ۳- محمد امین طباطبایی ۴- پویا ایدنی ۵- آرین غلامی

**بانوان:** ۱- سارا سادات خادم الشریعه ۲- مبینا علی نسب ۳- آناهیتا زهدی فر ۴- آنوشا مهدیان ۵- مطهره اسدی

همچنین در این مسابقات علیرضا شفیعی به عنوان کاپیتان ایران به فدراسیون جهانی شطرنج معرفی شده است.

رقابت‌های المپیاد جهانی شطرنج از اول مرداد تا ۹ شهریور به صورت آنلاین و در بخش سریع برگزار خواهد شد.

## ورزش در سیما

**هفته سی وهفتم لیگ برتر انگلیس**
**پرایتون – نیوکاسل**
دوشنبه ۲۰ تیر – ۲۱:۳۰ از شبکه ورزش

**هفته سی وچهارم سری آ ایتالیا**
**یوونتوس – لاتزیو**
سه‌شنبه ۳۱ تیر – ۰۰:۱۵ از شبکه ورزش

**هفته سی وهفتم لیگ برتر انگلیس**
**وانفورد – منچسترسیتی**
سه‌شنبه ۳۱ تیر – ۲۱:۳۰ از شبکه ورزش

**هفته سی وهفتم لیگ برتر انگلیس**
**استون ویلا – آرسنال**
سه‌شنبه ۳۱ تیر – ۲۲:۴۵ از شبکه سه

## برانکو

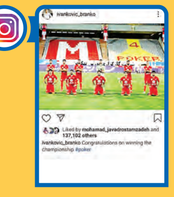

سرمربی اسبق پرسپولیس برای این تیم و بازیکنان و هوادارانش پیامی منتشر کرد. با وجود اینکه پنج هفته تا پایان رقابت‌های لیگ برتر باقیمانده‌ولی پرسپولیس با ایجاد فاصله زیاد در صدر جدول با رقبا توانسته خودش را در آستانه قهرمانی زودهنگام مسابقات قرار دهد و یک پیروزی تا بالا بردن جام فاصله دارد. برانکو ایوانکوویچ، سرمربی پرسپولیس با انتشار پستی به بازیکنان و هواداران تیمش پیشاپیش این قهرمانی را که چهارمین قهرمانی پیاپی سرخپوشان در لیگ برتر خواهد بود تبریک گفت.

## امین قاسمی نژاد

مهاجم تیم شهر خودرو به همراه چند تن دیگر از بازیکنان این باشگاه در استوری مشترک از تمرکز بالای خود برای خوب به پایان رساندن فصل خبر دادند.

امین قاسمی نژاد در بخشی از پیام خود نوشته: «درست است که شهرخودرو این روزها در بالای جدول قرار دارد اما این باعث نمی‌شود که نگرانی‌های شما عزیزان را برای کسب سهمیه نبینیم... این بار هم راه آسیا را پیش می‌گیریم و اجازه نمی‌دهیم هیچ اتفاقی ما را از مسیر دور کند.»

## زلاتان ابراهیموویچ

ستاره میلان دیدار اخیر خود با دوست قدیمی و سرمربی کنونی باشگاه بولونیا را در توییتش بازتاب داده است. زلاتان ابراهیموویچ که شاهد پیروزی پر گل تیمش در این هفته از سری A با نتیجه پنج بر یک بود با کنار گذاشتن رقابت عکسی از لحظه در آغوش گرفتن سینیشا میهایلوویچ سرمربی تیم حریف را منتشر کرده که همچنان درگیر مبارزه با بیماری سرطان است. زلاتان در توییت خود با جمله تمام عشق به اسطوره فوتبال صربستان ادای احترام کرده است».

## مهدی رحمتی

دو دروازه بان سابق استقلال که در دیدار این هفته پارس جنوبی و شهرخودرو برخورد گرمی باهم داشتند، در فضای مجازی هم عمق رفاقت خود را نشان دادند. پس از آنکه محسن فروزان در استوری اینستاگرامی خود عکسی در کنار رحمتی با جمله «من و دادااش» منتشر کرد، دیروز مهدی رحمتی هم در استوری خود با جمله «آقا فروزان عشقی داداش» پاسخ او را داد تا به نظر برسد کدورت‌های سابق این دو دروازه بان به دست فراموشی سپرده شده باشد.

روزهای تلخ «گرت بیل»

## چگونه پول رئال و استعداد خود را حیف کنیم؟

**امیرمحمد سلطان‌پور:** تمناسای مراسم شادی قهرمانی رئال مادرید در پنجشنبه شب کار آسانی نبود. نه به این خاطر که تیم زیدان نباید قهرمان می‌شد؛ چون آن‌ها نشان دادند لیاقت اختلاف خوبی که با تیم دوم یعنی بارسلونا به وجود آوردند را دارند. بلکه تماشای گرت بیل که به شکلی عجیب می‌خواست در شادی قهرمانی تیمش شریک شود و دور جام بین بازیکنان می‌چرخید سخت بود. ستاره ولزی تا می‌توانست خود را دور از گروه بازیکنان قرار می‌داد، به زحمت دستانش را تا نیمه راه مشت می‌کرد و به زور لبخند می‌زد. او می‌دانست که در نخستین قهرمانی رئال مادرید از سال ۲۰۱۷ نقشی ایفا نکرده است در آن سال مصدومیت‌های پیاپی او را به شدت آزار داده بود اما با این وجود، ۹ گل در ۲۷ بازی برای تیمش به ثمر رساند. اما این قبل او واقعاً مهره اضافی تیم زیدان بود.

**کارهای بچه‌گانه روی نیمکت**

بین ماه‌های مارس تا جولای با وجود مصدوم بودن لدن هازارد و مارکو آسنسیو، بیل فقط ۹ دقیقه در دو بازی برای تیمش به میدان رفت. او در ۱۲ بازی قبلی در ۱۰ بازی روی نیمکت بود و در بازی پایانی فصل که دیشب برگزار شد حتی جایی روی نیمکت نداشت. حوصله او از قدر در این مدت سر می‌رفت که هفته پیش در بازی مقابل آلاوز مامسکن را به روی چشمانش کشید تا نشان بدهد خوابیده است و دوشنبه شب گشنده در دیدار مقابل گرناتا دستانش را به شکل دوربین در می‌آورد! این رفتارهای بچه‌گانه آنچنان به مذاق دنیای فوتبال خوش نیامد. حتی دیمیتژ بریاتکو که خود به دلیل برخی نیمکت نشینی‌ها در بازی‌های بزرگ منچستریونایتد دچار حاشیه شده بود نیز به انتقاد از این رفتار بیل پرداخت.

«بیلس حرکت‌ها غیر حرفه‌ای و بی‌احترامی به رئال مادرید بود. من درد و رنج بیل را درک می‌کنم. من خودم هم تجربه نیمکت نشینی و بازی نکردن را دارم و احتمالاً هیچکس به او هم توضیحی ندارن باره نمی‌دهد. بنابراین ممکن است برای چنین رفتارهایی تحریک شوید. اما من نمی‌توانم از کارهای او حمایت کنم. اگر من طرفدار رئال مادرید بودم و می‌دیدم بازیکن تیمش این کارها را می‌کند عصبانی می‌شدم. این حرکات نشان‌دهنده قدرتنمایی است. او رسماً می‌گوید: «با من را بازی دهید یا هر کاری که دلم بخواهد انجام می‌دهم».

**تا پول بدهید هستم!**

اما شانس کمی وجود دارد که حالا بیل مادرید را ترک کند. مسلماً رئال دوست دارد که بتواند از بیل خلاص شود. او سالانه ۱۵ میلیون پوریو از این باشگاه حقوق دریافت می‌کند و هنوز دو سال دیگر از قراردادش با

گفت‌وگو با غلامرضا بکتاش درباره رده‌بندی جدید سنی کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

# اجازه بدهیم بچه‌ها خودشان انتخاب کنند...

ادب و هنر/ صبا کریمی | رده‌بندی‌های سنی تا چندیـــن دهه روی کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با این هدف ثبت شـــده بود که به مخاطبان در انتخاب کتاب‌های مناســـب کمک کند، اما در چند سال گذشته، با توجه به تغییر نظام آموزشـــی و در عین حال تغییرات نسلی و دانشی مخاطبان، بسیاری از کارشناســـان حوزه ادبیات و تعلیـــم و تربیت کودک و نوجوان بـــر ضرورت ارائه دسته‌بندی جدید ســـنی روی کتاب‌های کانون و دیگر ناشران این حوزه تأکید می‌کردند.

بر این اساس دسته‌بندی سنی مخاطبان کتاب‌های کانـــون پرورش فکری کـــودکان و نوجوانان پس از ســـال‌ها تغییر کرد و تقســـیم‌بندی جدیدی برای تولید آثار ارائه شده است که بنا به گفته مسئولان کانون، این تغییر در شیوه دسته‌بندی گروه‌های سنی منطبق بر استانداردها و با بررسی تجربه‌های جهانی و شرایط بومی، صورت گرفته است.

در دسته‌بندی جدید، گروه‌های سنی همچون ۰+ «نـــوزاد»، ۲+ «نوگام»، ۴+ «نوباوه»، ۷+ «نوخوان»، ۹+«نونهـــال»، ۱۲+ «نونـــگاه»، ۱۵+ «نوجوان» و «اولیای تربیتی، مربیان و پژوهشـــگران» نام‌گذاری شده است. در ساختار جدید، کمترین سن لازم برای مطالعه، پشت جلد کتاب‌ها درج شده و سقفی برای هر گروه سنی تعیین نشده بلکه فقط ابتدای آن اعلام شده است. براساس رده‌بندی‌های سابق سنی کانون، گروه «الف» شامل کودکان پیش از دبستان می‌شد، اما بیشتر آثار منتشر شده به صورت عمده به کودکان ۴ تا ۷ ســـال اختصاص داشت و تعداد آثار مناسب برای کودکان ۰ تا ۴ سال انگشت‌شمار بود که این رده‌بندی اکنون به ســـه دســـته «نوزاد»، «نوگام» و «نوباوه» تقســـیم شده است. در گذشته مخاطب گروه‌های ســـنی «ب» (هفت سال به بالا)، «ج» (۹ سال به بالا)، «د» (۱۱ سال به بالا)، «هـ» (۱۴ سال به بالا) و «اولیای تربیتی کودکان و نوجوانان» در نظر گرفته شده بود.

این تغییر پس از بررســـی در «شورای عالی کتاب» کانون پـــرورش فکری کودکان و نوجوانان، تصویب شد.

اما پرســـش اینجاســـت ضـــرورت و چرایی چنین رده‌بندی آن هم درســـت زمانی که مرزبندی‌های ســـنی به واسطه زندگی مدرن و بهره‌مندی فراگیر و گسترش‌یافته از فضای‌مجازی و رسانه‌های نوین، شـــکل تازه‌ای به خود گرفته و کمرنگ‌تر از گذشته شده است، چیست؟ از طرفی دیگر بومی‌سازی این رده‌بندی براساس معیارهای جهانی چگونه صورت گرفته و آیـــا قابلیت اجرایی دارد یا خیر. نکته مهم دیگـــری که توجه به آن خالی از لطف نخواهد بود، بحث تعامل جامعه‌شناســـان، روان‌شناسان و اهالی شعر و ادب در تولید محتوا برای این ساختار جدید و نیازسنجی آن است که در عمل تا چه اندازه به آن توجه می‌شود و مورد پیگیری قرار می‌گیرد.

به همین بهانه با غلامرضا بکتاش، شـــاعر کودک و نوجوان، درباره این طـــرح، ضرورت و کارایی آن به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

**◆ دسته‌بندی ســـنی مخاطبان کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از سال‌ها تغییر کرده و تقسیم‌بندی جدیدی برای تولید آثار ارائه شده است. تحلیل شما از این گروه‌بندی چیســـت و به نظرتان این گروه‌بندی بر چه اساسی شکل گرفته است؟**

به نظرم گروه سنی اساساً وجود ندارد. واقعیت این است که امروز با کودکان و نوجوانانی سروکار داریم که در برخی موارد بیشتر از ما می‌فهمند و متوجه امور هســـتند و پرسش مهم اینجاست که چرا باید برای آن‌ها رده‌بندی سنی ایجاد کنیم؟

**◆ چرا کانون به دنبـــال ایجاد مرز و تفکیک گروه‌های سنی است؟**

هر چه که هست به نظرم کار اشتباهی است!

**◆ آیا زمانی که گروه‌های سنی براساس الف، ب، ج و ... تعریف شده بود هم این کار اشتباه بود؟**

این مبحث متعلق به ۴۰ سال قبل است. بالاخره آن زمان باید این کار از یک جایی آغاز می‌شد. طبیعتاً آن را شـــروع کردیم و نتیجه‌اش همان گروه‌بندی سنی شد که به آن اشاره کردید. اما در حال حاضر مرزی بـــرای اطلاعات وجود نـــدارد. مگر ما کتاب غیرقانونی چاپ می‌کنیم که بنویسیم خواندن آن برای زیر ۱۸ سال ممنوع است؟

**◆ تغییرات نظام آموزشی، تغییر نسل و میزان آگاهی و دانش مخاطبان، از دلایل تصویب این طرح عنوان شده است و شاید تا حدودی برای والدین و گروه‌های آموزشی جنبه راهنمایی و کمک داشته باشد.**

ببینید من اساســـاً با گروه‌بنـــدی مخالفم. به نظرم همان گروه‌بندی ســـابق خوب بود. در حال حاضر هم فقط اسم‌ها را تغییر دادیم و آن را خرد کردیم. کانون مرزبندی‌های بسیار ریزی ترتیب داده که به نظرم اشتباه اســـت. حداقل اگر در کشوری زندگی می‌کردیم که برای نوزادان، کودکان، مهدهای کودک و ... برنامه داشـــتیم و نظام آموزشـــی ما به گونه‌ای بود که اگر یک کودک دوســـاله، دوسالگی‌اش را از دست می‌داد و در این بازه زمانی آموزشی نمی‌دید و ضرر می‌کرد، بله! این مرزبندی‌ها منطقی بود. اما در کشور ما که کل زمان یک کودک هدر می‌رود و

برش

به نظرم همان گروه‌بندی سابق خوب بود. در حال حاضر هم فقط اسم‌ها را تغییر دادیم و آن را خرد کردیم. کانون مرزبندی‌های بسیار ریزی ترتیب داده که به نظرم اشتباه است. حداقل اگر در کشوری زندگی می‌کردیم که برای نوزادان، کودکان، مهدهای‌کودک و ... برنامه داشتیم، این مرزبندی‌ها منطقی بود.

ما هیچ برنامه‌ای هم برایش نداریم، چرا فقط گروه اضافه می‌کنیم؟ همان گروه‌بندی که قدیم رایج بود خیلی بهتر و کلی‌تر بود و در نتیجه کارایی بیشتری هم داشـــت. ضمن اینکه گروه باید کلی باشد و در گروه‌بندی، جزئی‌نگری اصلاً خوب نیست.

**◆ به نظر می‌آید شما به طور کلی با گروه‌بندی در ابعاد جهانی آن مشکل ندارید و معتقدید این فرمول در کشور ما جواب نمی‌دهد؟**

ما در ایران زندگی می‌کنیم و با توجه به مواردی که گفتم و عدم‌برنامه‌ریزی برای زمان کودکان و نوجوانان و بحث آموزش و یادگیری نمی‌توان گفت همه‌چیز درست است و فقط گروه‌بندی لحاظ نمی‌شود. ضمن اینکه مگر گروه سنی الف و ب چه اشکالی داشتند که به فکر ایجاد گروه‌بندی جدید افتادیم؟

**◆ نتیجه این گروه‌بندی‌ها در فضای نشـــر و چاپ کتاب جدید و میزان استقبال مخاطبان هدف چه خواهد بود؟**

هیچ نتیجه‌ای ندارد! زیرا اگر امروز کانون کتاب‌هایش را گسترش بدهد و برای آن برنامه‌ریزی کند که فرضاً بـــرای گروه نوباوه، کودک، خردســـال ۵۰ هزار جلد کتاب چاپ کند، بله این درست است و معطوف به نتیجه خواهد بود، اما وقتی هیچ اتفاقی نمی‌افتد، چرا فقط اســـم‌ها را تغییر داده‌ایم؟ کانون این حرکت را شروع کرده است و برای بسیاری از مراکز و نهادهای فرهنگی هم حکم مبدأ را خواهد داشت. ضمن اینکه در این ایامی که درگیر ویروس کرونا هستیم، زمان مناسبی برای این کار نبود. بد نیست مثال دیگری بزنم. در فضای مجازی چند گروه سنی وجود دارد؟ کـــودک، نوجوان و بزرگســـال و همه افراد هم یک گوشـــی موبایل دارند. پس چرا فقط در مورد کتاب گروه‌بندی ســـنی قائل شـــدیم و وقتی اسم فضای مجازی می‌آید حرفی از گروه سنی نیست؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم این کار اشتباه است.

**◆ با این فرض که برای این گروه‌های سنی قرار است شعر نوشته شود، آیا شاعرانی داریم که به صورت تخصصی بـــرای نوزادان، نوباوگان، نوگامان و ... شعر بگویند؟**

بله داریم! اما من یکی از کســـانی هستم که با شعر محاوره مخالفم. من معتقدم چرا شعر محاوره باید تهرانی باشـــد، پس تکلیف یک کودک یزدی چه می‌شود و سهم او از شعر به زبان خودش چیست؟ چه کســـی گفت‌وگوی تهرانی را به عنوان شـــعر محاوره‌ای اعلام کرد؟ هیچ‌کس پاســـخ این پرسش را نمی‌دهد. چرا باید در شعر بگوییم «بچه برو نون بخر» اما زمانی که همان بچه به کلاس اول می‌رود «نون» را «نان» بخواند.

همان‌طـــور که گفتم من با شـــعر محاوره مخالفم؛ بنابراین شعری برای خردسال باقی نمی‌ماند. این در حالی است که همه شاعران کودک تصور می‌کنند شعر کودک نوشتن برای کودکان و خردسالان باید محاوره‌ای باشد. بله! آقای رحماندوست آغازگر این شیوه شعرگویی بود، اما ایشان به موازات آن، ۵۰ شعر جدی هم داشـــتند. آن زمان همه شروع به نوشتن شعر محاوره‌ای کردند و اکنون نمی‌دانیم برای نوزاد چه باید بنویسیم.

فراموش نکنید امروز گروه ســـنی در حال از دست دادن پایه و اعتبارش اســـت و مـــا تازه می‌خواهیم بگوییم بچه‌ها چه چیزی بخوانند یا نخوانند. در حالی که این بچه‌ها هستند که به ما می‌گویند چه چیزی می‌خوانیم و چه چیـــزی را نمی‌خوانیم. نمونه‌اش کتاب‌های هری‌پاتر است که بچه‌ها همه جلدهای آن را خوانده‌اند، در حالی که بسیاری از خانواده‌ها با تخیل و اسطوره مخالف بودند.

ای کاش به جای اینکه کانون به فکر گروه‌بندی‌ها بود، راجع به کتاب‌های تخصصی، قصه و شعر چند میزگرد تخصصی برگزار می‌کرد، نه اینکه به این فکر کنیم که برای نوزادان چه چیزی باید بنویسیم. ما باید چیزی بنویسیم که مادر نوزاد از آن بهره ببرد، ما باید چیزی بنویسیم که همه گروه‌ها از آن استفاده کنند. در برنامه تلویزیونی مشاعره می‌بینیم که یک کودک ۱۰ ساله از حافظ شعر می‌خواند، اما یک شعر کودک حفظ نیســـت. پس نتیجه می‌گیریم گروه سنی بی‌اعتبار اســـت، چون او وقتش را گذاشته و حافظ خوانده است.

از طرفـــی دیگر کانـــون یک شـــورا دارد که در آن بسیاری از کتاب‌هایی که چاپ می‌کند را باید رد کند و بسیاری از کتاب‌هایی که رد می‌کند را باید منتشر کند. این مسئله هم در کتاب‌هایی که منتشر می‌شود و در دسترس مخاطب قرار می‌گیرد، تأثیرگذار است.

**◆ آیا علت رد کردن کتاب‌ها اعمال ســـلیقه است؟**

به نظرم افراد خیلی دقیق و دلسوزی در ترکیب این شورا قرار نگرفته‌اند و همه‌چیز مبتنی بر اعمال سلیقه است. من معتقدم کانون باید نشست تخصصی برگزار و شـــعر را حلاجی کند. شب شعر چه سودی دارد؟ باید نشست تخصصی برگزار شود و نتیجه مفیدی را از بطن کلاس‌ها و کارگاه‌های تئوری بیرون بیاوریم، اما متأســـفانه امروز وقت گذاشـــتیم و به این فکر می‌کنیم که اسم بچه دوساله و سه‌ساله چیست! در حالی که ما در شعر به این رده‌بندی می‌گوییم شعر خردسال، شعر کودک و شعر نوجوان. حتی به الف، ب، ج و ... هم کاری نداریم.

**◆ گروه‌بندی سنی جدید در شیوه کاری شما هم تغییری ایجاد کرده است؟**

بله! این گروه‌بندی شـــرایط کاری ما را هم مشکل کرده است. باید گروه‌های مختلف را شناسایی کرده و بر مبنای آن برای آن‌ها کتاب خوانده شود. از سوی دیگر به لحاظ فضای محیطی با محدودیت مواجهیم و تفکیـــک بچه‌ها به این گروه‌های ســـنی برای ما مشکل به وجود می‌آورد و با این تقسیم‌بندی در هر کانونی باید هفت سالن داشته باشیم.

به نظرم کانون نباید پشـــتوانه فرهنگی خودش را از دســـت بدهد و بدون مشورت با بزرگان فرهنگی این کار را می‌کرد. کانون نیاز به دلســـوزی، تدبیر، هزینه فرهنگی و فکری دارد. این دقیقاً جمله آقای رحماندوست است که «گروه سنی بی‌اعتبار است» و من اگر شاگرد ایشان باشم باید بگویم گروه سنی وجود ندارد. ضمن اینکه دانش فقط شـــامل کتاب نیست، پس تکلیف تلویزیون، سینما و فضای‌مجازی چه می‌شـــود؟ برنامه خندوانه و دورهمی برای چه گروه سنی است، سریال‌های شبکه‌خانگی برای چه گروه سنی ســـاخته شده‌اند، چرا فقط درباره کتاب گروه سنی را لحاظ می‌کنیم؟

## تازه‌های نشر

### تلاش برای تغییر سرنوشت

نون: به تازگی رمان «پیکان زرد» نوشته ویکتور پلوین با ترجمه محمدرضا قاسمی منتشر شده است.

ویکتور پلویـــن (متولـــد ســـال ۱۹۶۲) از نامدارترین نویسندگان روس اســـت و افتخارات و جوایز متعددی از جمله جایزه بوکر کوچک روســـیه برای آثار ادبی‌اش بدســـت آورده و رمان‌هایش همواره جزو آثار پرفروش بوده‌اند. نوشته‌های پلوین به زبان‌های متعدد ترجمه شده و شهرت او را بیش از بسیاری از نویسندگان هموطنش به خارج از مرزهای روســـیه گسترش داده است. سبک خاص این نویســـنده هویت رمان‌هایش را می‌ســـازد و او را به یکی از شاخص‌ترین نویســـندگان معاصر روســـیه بدل می‌کند. رمان کوتاه «پیکان زرد» با سیر حرکت یک قطار پیش می‌رود و جهان شخصیت‌ها را شکل می‌دهد. مخاطب با شخصیت اصلی رمان و دغدغه‌ها و اندیشه‌های او همراه می‌شود و شاهد تلاش او برای تغییر سرنوشتش است. این رمان کوتاه، با سبک و سیاقی جدید، شکوه آثار کلاسیک ادبیات روســـیه را به یاد می‌آورد و نماینده‌ای فاخر از ادبیات داســـتانی سرزمینی است که نویسندگانی چون تولستوی و داستایفسکی و پاسترناک از آن برخاسته‌اند.

«پیکان زرد» با مجوز رســـمی نویسنده برای انتشار در ایران و در ۸۸ صفحه توسط نشر نون منتشر شده است.

### ۵ داستان کوتاه طنز

سوره مهر: کتاب «مورچه لوچ» نوشته مریم ورپشتی که شـــامل پنج داستان کوتاه طنز است، منتشر شد. مورچه لوچ با موضوع اجتماعی دارای پنج داستان کوتاه اســـت که ته‌مایه طنز دارند و برخی از داستان‌ها کار سورئال هستند. این کتاب در ۷۲ صفحه منتشر شده است و «همزیستی»، «مورچه لوچ»، «قلاب»، «سفر پر ملال»، «رخنه در شـــرکت» و «بهترین همسر»، عناوین داستان‌های موجود در کتاب هستند.

در بخشـــی از کتاب می‌خوانیم: « آن شب تا صبح نگهبانـــی دادم. انگار بو برده بودند و از مخفیگاهشـــان بیرون نمی‌آمدند. با کلی بدبختی یکی‌شـــان را گرفتم و انداختم توی قوطی کبریت. اسمش لو بود. این یکی مثل خودم زیاد اشتباه می‌کرد.

نامرد صدایم را هم خوب تقلید می‌کرد. ســـحر نشده جلو آزمایشگاه بودم. شـــما بودید چه می‌کردید؟ زندگی‌ام داشـــت به هم می‌خورد. بله تصورش هم سخت است.

اما بالاخره توانستم از میان آن همه جانور که صبح تا شب دور و برم پلاس بودند لو پیه بی‌دست و پا را گیر بیندازم در حالی که فریاد می‌زد دسشویی دارد. لابد می‌خواست دلم به حالش بسوزد و ولش کنم».

### قصه‌هایی از بغلی‌ترین خرس دنیا

مبتکران: «داگلی بغلی عیدت مبارک» نوشته دیوید ملینگ با ترجمه نسرین ابراهیمی لویه منتشر شد.

شخصیت اصلی در این مجموعه قصه‌ها، بچه‌خرسی به نام داگلی اســـت که علاقه زیادی به بغل کردن دارد و هر بار درگیر ماجرایی می‌شـــود. در داستان «قصه‌های داگلی؛ بغلی‌ترین خرس دنیا» سال نو آغاز شده و داگلی به دنبال کسی است که دلش بغل عیدت مبارک بخواهد، اما کسی پیدا نمی‌شود تا اینکه صدایی می‌شنود و در پی آن ماجرایی برای داگلی پیش می‌آید.

در صفحات پایانی این کتاب به همراه تصاویر رنگارنگ، به کارهایی اشـــاره شـــده که بچه‌ها می‌توانند انجام دهند، مانند نوشـــتن نامه به بابانوئل، درست کردن ریسه فرشته‌های کاغذی، تزئین درخت، درست کردن آدم‌برفی، در کردن ترقه و خواندن سرود شب عید. «داگلی بغلی»، «نگران نباش داگلی بغلی»، «ما خیلی دوستت داریم، داگلی بغلی»، «داگلی بغلی به مدرســـه کوچولوها می‌رود»، «داگلی بغلی و خواب پرماجـــرا»، «داگلی بغلی و پخت و پز پرماجرا» و «اولین کتاب فعالیت داگلی بغلی من» عنوان سایر آثاری است که از این مجموعه منتشر شده است.

کتاب «داگلی بغلی عیدت مبارک» با قیمت ۲۲هزارتومان برای کودکان بالای سه سال منتشر شده است.

## هنرهای تجسمی

به همت کمیسیون ملی یونسکو در ایران صورت گرفت

# برگزاری اولین نمایشگاه مجازی خوشنویسی

مهدیه قمری: کمیســـیون ملی یونسکو در ایران، در اقدامی تصمیم به برگزاری اولین نمایشـــگاه خوشنویســـی مجازی بـــا نام «میراث مانـــدگار» گرفت که این نمایشـــگاه از ۲۵ تیر ماه ۹۹ در صفحه اینســـتاگرام این سازمان به صورت آنلاین برگزار شده است.

مشاور هنری و دبیر شورای سیاست‌گذاری خوشنویسی این کمیسیون در گفت‌وگو با خبرنگار ما گفت: گالری موجود در این کمیسیون برای برگزاری نمایشگاه‌های هنری تجهیز و آماده شده، اما به دلیل شیوع ویروس کرونا تصمیم گرفتیم اولین نمایشگاه را به صورت مجازی برگزار کنیم.

محمـــد حیـــدری ادامـــه داد: در این نمایشـــگاه ۱۸ اثر خوشنویسی از ۹ هنرمند اســـتاد و عضو کمیسیون ملی یونســـکو در ایران از جمله استاد یدالله کابلی خوانساری، استاد امیراحمد فلسفی، استاد الهه خاتمی، استاد فرشته حسینی و ... در سبک‌های نســـتعلیق، شکسته و نقاشی خـــط، برای علاقه‌مندان با هدف گردآوری آثار ســـفیران شایسته فرهنگ و هنر ایران، به نمایش گذاشته شده است.

وی با تأکید بر این موضوع که برگزاری نمایشگاه مجازی در کمیسیون ملی یونسکو در ایران، باید از بهترین شرایط برای علاقه‌مندان برخوردار باشد، بیان کرد: برای برگزاری این نمایشگاه در ابتدا فیلمی از محیط نمایشگاه در گالری این کمیسیون تصویربرداری شد و در مرحله بعد عکس‌ها باکیفیت مناسب در فیلم مورد نظر قرار گرفت تا امکان تماشای مطلوب را برای علاقه‌مندان فراهم کند.

به گفته مشـــاور هنری و دبیر شـــورای سیاســـت‌گذاری خوشنویسی کمیسیون ملی یونســـکو در ایران، گالری این کمیسیون آماده برگزاری نمایشگاه برای همه هنرمندان اســـت. حتی این کمیســـیون امکان برگزاری مجازی نمایشگاه‌ها را در محیط های مختلفی که هنرمندان مد نظر دارند ، دارد، فقط کافی است هنرمندان از محیط نمایشـــگاه خود فیلم ۳۶۰ درجـــه بگیرند و همراه با عکس باکیفیت از آثار خود برای کمیسیون ملی یونسکو در ایران ارسال کنند تا نمایشگاه به صورت مجازی در سایت این کمیسیون برگزار شود.

حیدری معتقد است: بسیاری از موزه‌ها در کشورهای خارجی با شیوع بیماری کرونا از طریق مجازی آثار خود را به نمایش گذاشته‌اند. بی‌تردید هر کدام از آن‌ها زیرساخت‌های خوبی برای برگزاری نمایشگاه‌های مجازی داشته‌اند که ممکن است این زیرساخت‌ها در کشور ما وجود نداشته باشد.

وی بیان کرد: امیدوارم هر چه زودتر ویروس کرونا در همه جای جهان و کشـــور ما از بین برود تا بتوان نمایشگاه‌ها را حضوری برگزار کرد تا زمینه گفت‌وگو و تعامل حضوری هنرمندان با مردم درباره آثار هنری فراهم شود.

مشاور هنری و دبیر شورای سیاست‌گذاری خوشنویسی کمیسیون ملی یونسکو در ایران گفت: این نمایشـــگاه مجازی از طریق آدرس www.gallery.irunesco.org و صفحه کمیسیون ملی یونسکو در ایران در اینستاگرام قابل دسترسی خواهد بود.

## یاد

نگاهی به شعر و شخصیت رضا افضلی در گفت‌وگو با چند شاعر

### من آتش زیر خاکسترم...

ادب و هنر- جلیل فخرایی: چه بجا گفت رضا افضلی:«من آتش زیر خاکســـترم » که آتش بوده و جاودانه خواهد ماند در لابه‌لای کتاب‌های خاموش و گویایش و روشنایی و گرمابخش انجمن‌های ادبی و هنری و رسانه‌های حقیقی و مجازی برای همیشه خواهد بود.

استاد افضلی؛ شاعر و پژوهشگر و هنرمندی است برای امروز و فردا، برای پیران و جوانان . نمی‌دانم علم‌الرجال خوانده یا نه ولی به یقین می‌دانم مردم‌شناس بود و نام بیشتر دوستانش را با نام کوچک هم به خاطر داشت و یکی از دلایل محبوبیت او، همین بود. وی ۱۹ تیر ماه بر اثر ســـکته مغزی درگذشـــت. در ستون امروز برای شناخت شعر و شخصیت رضا افضلی با چند شاعر به گفت‌وگو نشسته‌ایم که نظراتشان را می‌خوانید.

#### تحقیقی در حد یک رساله مفصل

محمدکاظـــم کاظمی، شـــاعر، پژوهشـــگر و عضوفرهنگستان ادب فارسی، درباره رضا افضلی می‌گوید: ویژگی ایشان به نظر من این بود که ایشان شـــخصیتی بود جامع‌الاطراف. هم شاعر بود، هم پژوهشگر و هم استاد دانشگاه.علاوه بر شعر، آثار قلمی بسیاری از ایشان برجای مانده است که از آن جمله می‌شود به تحقیق مفصلی اشاره کرد که درباره شعر خراسان‌شمالی انجام داده بود. تحقیقی در حد یک رساله مفصل درباره شعر آن ناحیه بود. افزون بر آن، ایشان در گرداندن انجمن‌های ادبی هم فعال بود. انجمن ادبی دانشـــکده ادبیات در دهه ۷۰ با حضور ایشـــان و جناب عبدالله نجف‌زاده ازغندی از جلسات خیلی خوب شعر مشهد بود.

در شـــعر هم جامعیتی داشت. هم شعر نو می‌ســـرود، هم در قالب‌های کهن و هم حتی در حوزه منظومه‌سرایی، چنان که کتاب «مشهدی‌های قدیمی» ایشان یک منظومه مفصل درباره مشهد قدیم و حاوی ارزش‌های فراوان تحقیقی و فرهنگی است. از فعالیت‌های ادبی که بگذریم، ایشان از حسن‌سلوک و خلق خوش بسیاری هم برخوردار بود. بسیار متواضع و کم‌ادعا، به گونه‌ای که من هیچ‌گاه ندیدم در مورد شعر خویش قضاوتی اغراق‌آمیز از آن گونه که نزد بسیاری از شاعران مرسوم است، داشته باشد. همیشه با گشاده‌رویی با دیگران، به خصوص جوانان سلوک داشت و توجه ایشان به شاعران جوان هم واقعاً محسوس و ارزشمند بود.

#### دیدار با استاد

مرتضی امیری‌اسفندقه، معتقد است: رضا افضلی منتظر دیدار با استادش بود و مرگ این انتظار را برای او کوتاه کرد. او درباره این شاعر می‌گوید: اســـتاد رضا افضلی از میان گله‌ماهی‌های شعر فارسی، شاه‌ماهی‌های درخشان را به تور انداخته بود و یا بهتر آنکه بگوییم در آناتی از شـــعر آن ماهی درخشان پولک بود که در تور شعر افتاده بود .

او شـــعر تر از شـــعر خویش بود و شعر تنها لحظاتی از زندگی او را ثبت کرده است و عشق نیز بوالعجب فعلی که در دیوان ما مصدر ندارد. مرگ این شاعر عزیز موجب شد دیدار دوباره او با استاد قهرمان پس از چندین شکیبایی در آن سوی مرزهای مرگ و زندگی میسر شود و مبارک بادش.

#### خویشاوند کلمه و کلام

رضا اسماعیلی می‌گوید: با اینکه زنده‌یاد رضا افضلی را از نزدیـــک ندیده بودم، ولی به این اعتبار که او نیز از خویشاوندان «کلمه» و «کلام» و از سالکان وادی شعر و شعور و اندیشه بود، همیشه با زمزمه اشـــعار دل‌انگیزش، خود را به او نزدیک می‌دیدم. به‌راستی نیز چیزی جز این نیست که اصحاب فکر و فرهنگ همه از یک خانواده‌اند. احساس من به رضا افضلی عزیز نیز چنین بود. احساس دوستی که سال‌ها می‌شناسمش و با او به واسطه شعر به همدلی و همزبانی رسیده‌ام.

جاودان‌یاد افضلی، شـــاعر، نویسنده، محقق، مدرس دانشگاه و مهم‌تر از همه انسانی فروتن، مهربان و دوست‌داشتنی بود، با آثار و تألیفاتی فاخر و ارجمند. او از خادمان دل شـــده فرهنگ و ادب این مرز و بوم پرگهر و از پیران و پیشکســـوتان انجمن‌های ادبی خراسان بود. دانشی‌مردی که آرزوی اعتلای زبان و ادب پارسی را در سر داشت و قلبش برای خدمت به فرهنگ ایران زمین می‌تپید.

خالق آثار ماندگاری چون «در شهر غم گرفته پاییز»، «نگاهی از ساحل به دریا»، «آهوی ارغوانی» و «شناخت نامه محمد قهرمان» هر چند به تقدیر الهی راه خود را از قافله زمینیان جدا کرد و به ناکجای آســـمان شتافت، ولی با آثاری که از خود به‌جا گذاشت، در قلب فرهنگ‌دوستان زنده است. تولد دوباره او بر وارثان «آب و خرد و روشنی» مبارک باد.

#### نگاه عالمانه، عمیق و تخصصی

دکتر محمود اکرامی (خزان) از همراهی و رفاقت ۳۰ ساله خود با رضا افضلی یاد می‌کند و درباره این شاعر می‌گوید: همراهی سه دهه با زنده‌یاد افضلی، شـــناخت نیکی از ایـــن چهره علمی و شـــاعر ارجمند داده است. در بعد دانشگاهی و آکادمیک نیز وثوق کلیه اساتید بر نگاه عالمانه، عمیق و تخصصی وی همواره بر این امر صحه گذارده است.

وی ابیات معروفی از این شاعر قرائت کرد:

میانِ خیمهٔ مجنون و خیمهٔ لیلی
مسافتی‌ست که چون طولِ آه کوتاه است
چه رفته است که عاشق در این رهِ نزدیک
چو باد می‌رود، امّا هنوز در راه است»

در حوزه شعر نیمایی و سپید نیز افضلی را می‌توان یکی از پیشتازان شعر سپید در خراسان برشمرد.